

قرار

در نفعه نی سرود یاران دارم
شوریده سری ز روزگاران دارم
با نام سحر ولی بیاد گل سرخ
امروز قرار با بهاران دارم

ایرج

مقاله رسیده از ایران

«من در کجای جهان ایستاده ام؟»

زندگی و آگاهی، مانند دوروی یک سکه، پایه و اساس مدنیت و وجه تباین انسان متمدن و بربریت است. از زندگی به آگاهی می رسیم و از آگاهی به زندگی. درک این نکته ساده می تواند راهگشای پاسخ به سؤال بزرگ چرا اندیشه و چرا خواندن باشد. مطالعه، نگرشی کیفی انسان به حیات خویش و تعمیم شعور انسانی بر همه عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. بر این اساس به خویش باز می گردیم و به جهانی که از آن برخاسته ایم؛ ایران!

دنیای اطلاعات و ارتباطات، رسانه ها، نشریات و کتب، دامنه گسترده ای است که در این مجال کوتاه توان پرداختن بدان را نداریم. بالنتیجه نگاهمان را متوجه

ادامه در ص ۶

نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۴۸۱، دوره هشتم
سال سیزدهم، ۱۵ خرداد ۱۳۷۵

حماسه جاوید

با یاد رفیق شهید پرویز حکمت جو
در ص ۳



از میان گزارش ها

رژیم «ولایت فقیه» و درآمد ملی

در ماههای اخیر، مطبوعات و خبرگزاری های جمهوری اسلامی با آب و تاب فراوان از رشد ۳/۱ درصدی درآمد ملی کشور (به قیمت های ثابت سال ۱۳۶۱) سخن به میان آورده اند.

روزنامه «ایران» چاپ تهران، که به جناح رفسنجانی وابستگی دارد، و به دنبال آن دیگر مطبوعات مجاز، نوشتند که بر اساس برآوردهای مقدماتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی، «ارزش تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۷۳، به قیمت عوامل، برابر با ۱۳ هزار ۴۶۵ میلیارد و ۲۰۰ میلیون ریال برآورد شده است». بر اساس این بررسی و محاسبه، که از سوی بانک مرکزی «مقدماتی» قلمداد شده است، ارزش افزوده بخش صنایع و معادن، کشاورزی و دیگر بخش ها، افزایش قابل ملاحظه ای را نشان می دهد.

در طول سالها، به ویژه پس از شکست سیاست تعدیل اقتصادی رفسنجانی، بازی با آمار و ارقام، کتمان آمار و ارقام واقعی در مورد عملکردهای اقتصادی، و به طور کلی وارونه جلوه دادن حقایق، روش دائمی سران رژیم بوده است. مسؤولان رژیم، بارها و به کرات، برای گریز از افشا شدن خیانت هایی که در اداره امور مملکتی مرتکب شده اند، به شکلی حساب شده و هدفمند، مقولات و مفاهیم

ادامه در ص ۶

«مرگ علم و تولد بربریت»!

• خامنه ای فرمان یورش به دانشگاه ها را صادر کرد
• در دستگاه فکری رژیم «ولایت فقیه» مقالاتی چون انسانیت، مدنیت، و ارزش های فرهنگی و اخلاقی نه تنها جایی ندارد که نابودی همین ارزش ها به نام حفظ «موقعیت روحانیت» حاکم مهم ترین وظیفه و برنامه ای است که دنبال می شود.

دکتر سروش در نامه ای سرگشاده به هاشمی رفسنجانی نوشت: «آیا کار این دیار به جایی رسیده است که یک معلم برای حضور در یک کلاس یا یک محفل دانشگاهی باید از جان خود بگذرد و دل به هلاکت بسپارد و غسل شهادت برآورد و شهادتین بر زبان بگذارد؟ آیا این نظام هم به گالیله ها و جوردانو برونوها حاجت دارد... چگونه می توانم با دانشجویان از امید به آینده و از تحقیق آزاد و از حریت و شجاعت اندیشیدن... سخن بگویم در حالی که به چشم می بینم که هریک از این مقولات اینک بدل به گناهی کبیره شده است که خود کيفر آن را به گروه های فشار و جماعت های بی فرهنگ بپردازیم...»؟

و در انتها همین نامه نتیجه گرفت: «من اینک در سوک دانشگاهی نشسته ام که در آن گروهی، مرگ علم و تولد بربریت را جشن گرفته اند، من اندیشناک حرمت و عظمتی هستم که اینک بر باد وقاحت می رود... دل مشغول دانشجویانی هستم که

ادامه در ص ۴

• بانک های آلمانی و اعتبارات تازه برای ایران

در محافل دولتی گفته می شود که آلمان برای دلجویی از رژیم و عادی سازی روابط با ایران به بانک های اصلی این کشور اجازه داده است تا یک اعتبار یک میلیارد مارکی طولانی مدت (۵ تا ۱۲ ساله) در اختیار دولت ایران قرار دهند. بر اساس این گزارش ها، بانک های آلمانی که قرار است این گشایش اعتبار را انجام دهند، بانک های «برلینر هندلز» و «فرانکفورتر - ب.ا.ج.اف» هستند. این اقدام دولت آلمان در شرایطی که رژیم در بحران شدید مالی دست و پا می زند، به مثابه قایق نجاتی برای کاهش بحران اقتصادی و خصوصاً بحران ارزی که با آن دست به گریبان است، در نظر گرفته شده است.

• زدوبندها با انحصارهای سرمایه داری ادامه دارد!

علی رغم شعارهای داغ جناح های درگیر در انتخابات دوره پنجم، زدوبندهای پشت پرده رژیم با انحصارهای سرمایه داری خصوصاً شرکت های آلمانی، فرانسوی و ژاپنی ادامه دارد. در هفته های پیش از برگزاری انتخابات تعدادی از این قرار دادها بدون سروصدا به امضا رسید. برخی از این قرار دادها به شرح زیر است:

ادامه در ص ۵

در ص ۲

در ص ۴

در ص ۵

در ص ۸

در ص ۸

هفته نامه «پیام دانشجوی» تعطیل شد

مجلس چهارم در آخرین روزها

پرونده شهرداری تهران «تکمیل» شد

همبستگی پرشکوه احزاب کارگری و کمونیستی با مبارزات مردم ایران علیه رژیم دیکتاتوری

نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در پانزدهمین کنفرانس حزب کمونیست یونان

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

رویدادهای ایران



گرانی همچنان پیدای می‌کند

«شورای اقتصاد» در جدیدترین مصوبه خود قیمت برخی از کالاهای یارانه ای (سوبسیدی) را به شکلی بی سابقه افزایش داد. علاوه بر این، تعداد دفعات توزیع این نوع کالاهای، که بخش کوچکی از نیازهای زحمتکشان جامعه را تأمین می‌کنند، کاهش داده شد. بر اساس مصوبات اخیر «شورای اقتصاد»، قیمت هر کیلو گوشت قرمز کوپنی حدود ۳۰ درصد، قیمت روغن نباتی کوپنی نزدیک به ۴۰۰ درصد و قیمت هر کیلو قند و شکر کوپنی بیش از ۲۶۰ درصد افزایش یافت.

مدیرعامل «شرکت سهامی شیر ایران» نیز اعلام کرد که به علت کافی نبودن مبلغ اختصاص داده شده از طرف مجلس شورای اسلامی برای سوبسید شیر، میزان تولید شیر یارانه در سال جاری به نصف میزان تولید سال گذشته کاهش خواهد یافت. وی افزود با روند فعلی، توزیع شیر یارانه فقط تا اواسط مهرماه ادامه خواهد یافت و پس از آن قیمت هر بطری شیر نیم لیتری با ۱۵۰ درصد افزایش به ۵۰۰ ریال خواهد رسید. گفتنی است که در حال حاضر حدود ۳۵ میلیون نفر از مردم در ۱۹ استان کشور از شیر یارانه استفاده می‌کنند.

همچنین، نرخ بلیط اتوبوس‌های شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه بدون اطلاع قبلی به دو برابر افزایش یافت.

معاون دارو و درمان وزارت بهداشت نیز افزایش قیمت دارو را برای تداوم تولید داروهای ساخت داخل و جلوگیری از بحران کمبود برخی از اقلام دارویی، اجتناب ناپذیر اعلام کرد.

وقوع ناآرامی در تبریز تأیید شد

به دنبال اظهار نظر شورای نگهبان مبنی بر «صحت» انتخابات مرحله دوم در تبریز، فرماندار این شهرستان طی یک مصاحبه مطبوعاتی ناچار به تأیید وقوع ناآرامی در تبریز در روز برگزاری مرحله دوم انتخابات شد. از این مصاحبه چنین بر می‌آید که پس از اعلام «انصراف» یکی از کاندیداها به نام «محمودعلی چهرگانی» از سوی فرمانداری تبریز چند ساعت پیش از شروع رأی‌گیری، گروهی از مردم این شهر در روز رأی‌گیری به عنوان اعتراض دست به تظاهرات زدند که به قول فرماندار، «با هوشیاری مسئولین و برخورد قاطع آنان ... سریعاً خاتمه یافت.» «محمودعلی چهرگانی» که در مرحله اول بیشترین تعداد آراء را به خود اختصاص داده بود، چند روز پیش از مصاحبه فرماندار، طی گفت و گویی با روزنامه «سلام»، اعلام «انصراف» خود را تکذیب کرده بود و در رابطه با حمله به ستاد انتخاباتی اش و پاره ای مسایل دیگر، دست به افشاکاری زده بود. او از جمله اعلام کرد که در نماز جمعه تبریز، به طور غیرمستقیم به «ناسیونالیسم» متهم شده است. روزنامه «سلام»، همراه با چاپ مصاحبه مطبوعاتی فرماندار تبریز، و افشای تناقضات در ادعای او، در واقع اعلام «انصراف» چهرگانی را مورد تردید قرار داده بود. فرماندار تبریز و فرمانده بسیج استان اعلام کردند که عده ای (از جمله مسئول ستاد انتخاباتی چهرگانی) در رابطه با ناآرامی‌های تبریز دستگیر شده‌اند.

توقیف مجدد «پیام دانشجو» و اخطار به «سلام»

«هیأت نظارت بر مطبوعات» وابسته به وزارت ارشاد، طی تصمیماتی مجدداً انتشار هفته نامه «پیام دانشجو» را متوقف کرد و به روزنامه «سلام»، مجله «کیان» (که توسط طرفداران دکتر سروش منتشر می‌شود)، و هفته نامه «مبین» (به مدیریت مهندس غریبانی، نماینده «رد صلاحیت» شده مجلس چهارم از

اردبیل) اخطار کتبی داد. روزنامه «سلام» ضمن چاپ متن اخطاریه وزارت ارشاد یادآور شد که در این متن هیچگونه توضیح درباره دلایل صدور اخطاریه ذکر نشده است.

باز هم ابطال انتخابات

شورای نگهبان با رد «صحت انتخابات» در سه حوزه انتخابیه «ورزقان»، «زنجان»، و «فومن»، انتخابات این سه شهر را باطل اعلام کرد. شورای نگهبان همچنین با ابطال برخی از صندوق‌ها در شهرستان «تفت»، شخص دیگری را به عنوان «برنده» انتخابات این شهر معرفی کرد.

جلسه ۱۴۵ نفر از نمایندگان جدید مجلس

در روز پنجم خرداد، رادیوهای خارجی به نقل از روزنامه‌های «سلام» و «جمهوری اسلامی» گزارش دادند که به دعوت گروه «کارگزاران»، ۱۴۵ نفر از نمایندگان منتخب دوره پنجم مجلس شورای اسلامی (بیش از نیمی از کل تعداد نمایندگان) دور هم جمع شدند. سخنران اصلی این جلسه عبدالله نوری (وزیر سابق کشور) بود که در سخنان خود جناح رسالت و شخص ناطق نوری را شدیداً مورد انتقاد قرار داد. در این جلسه، محمد هاشمی نیز طی سخنانی از مواضع رییس جمهور دفاع کرد.

روند خصوصی سازی گسترش می‌یابد

«وزارت فرهنگ و آموزش عالی» اعلام کرد که در سال تحصیلی ۷۶-۷۵، مؤسسات آموزش عالی «غیرانتفاعی» (خصوصی) حدود ده هزار دانشجو می‌پذیرند و پذیرش داوطلبان از طریق کنکور سراسری انجام می‌گیرد. در حال حاضر ۳۸ مؤسسه آموزش عالی خصوصی در سراسر کشور (از جمله ۲۴ مؤسسه در تهران) با ۱۳ هزار دانشجو مشغول فعالیت هستند. بر اساس یک خبر دیگر، معاون وزارت نیرو و مدیرعامل «شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور»، در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که «مدیریت بهره برداری و خدمات» این شرکت به تدریج به متقاضیان بخش خصوصی واگذار خواهد شد.

موضعگیری نیروهای سیاسی - مذهبی دگراندیش علیه «انصار حزب الله»

بیش از هر چیزی به تضعیف نظام می‌انجامد. جناح بازار که علیرغم تمام تخلفات و اعمال نفوذها از نتایج انتخابات به هیچ وجه راضی نیست، فضای آرام و سالم رقابت سیاسی را به هیچ وجه به سود خود نمی‌داند و با تمام قوا می‌کوشد با متشنج کردن اوضاع و ایجاد درگیری‌های کاذب فضای جامعه را بحرانی جلوه دهد و به این ترتیب توجه مناسب برای محدود ساختن آزادیها و تعطیلی فعالیت‌های سیاسی — به بهانه نداشتن ظرفیت‌ها — داشته باشد.

نکته قابل توجه این است که نشریه «عصر ما»، علیرغم این انتقادات، خود را به طور ضمنی «در اصل نگرانی‌ها و حساسیت‌ها و آرمان‌خواهی با انصار حزب‌اللهی هم نظر» دانسته است!

• ۵۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های تهران با ارسال نامه‌های سرگشاده خطاب به خامنه‌ای، رفسنجانی، مجلس شورای اسلامی و وزیر کشور، مراتب خشم و ناخشنودی خود را از اعمال خشونت آمیز اخیر ابراز داشتند و ضمن محکوم کردن عملکرد «جناح انحصارطلب» (رسالت)، به مقامات و مسئولین به خاطر سکوت غیرقابل قبولشان در برابر «این اهرم فشار»، هشدار دادند.

گروهی حق ندارد افراد و گروه‌های دیگر را تهدید کند و جو ارباب به وجود آورد... رفتارهای قانون شکنانه کسار این ملک و ملت را به سامان نمی‌رساند....

• نشریه «عصر ما»، ارگان «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی»، در آخرین شماره خود چنین به تحلیل وقایع مورد بحث پرداخت: «... متأسفانه حرکات زشتی نظیر حمله به سینما، که به مجروح شدن زنان و کودکان انجامید و با ممانعت از برگزاری سمینارها و کنفرانس‌های علمی نظیر سمینار سیدجمال‌الدین اسدآبادی... و برخوردهای خصمانه و خشونت آمیز با استادان و دانشجویانی که حافظ جریان اسلامی در دانشگاه‌ها هستند، اعتبار حزب‌الله را در اذهان عمومی سخت مخدوش ساخته است...»

«جامعه‌ما در شرایط کنونی با مسایل و پیچیدگی‌های داخلی و توطئه‌های خارجی، توان هضم این برخوردها را ندارد و آنان که در این ناثره می‌دمند بدانند که در صورت ادامه این کار حکم آن مادر دروغینی را خواهند داشت که به دو نیمه شدن نوزاد خود راضی بود تا بقای کودک.

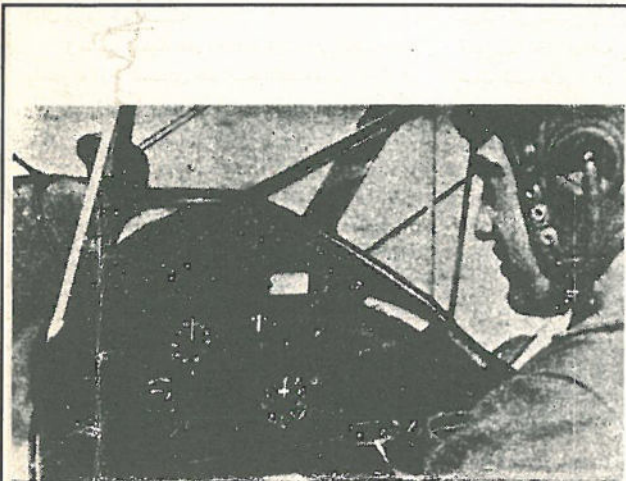
«خشونت و درگیری به سود هیچ کس نیست و

به دنبال اقدامات بی سابقه گروه‌های فشار تحت نام «انصار حزب‌الله» علیه مردم و نیروهای سیاسی - مذهبی دگراندیش، که با هدف ارباب مردم و این نیروها و خارج کردن آنها از صحنه سازماندهی می‌شود، نیروهای مختلف دگراندیش مذهبی به عکس العمل و اعلام مواضع دست زدند که فشرده‌ای از آنها را در اینجا نقل می‌کنیم:

• روزنامه «سلام»، علاوه بر درج شکایت‌های متعدد مردم در ستون «الو سلام» طی هفته‌های اخیر؛ چاپ اطلاعیه‌های انجمن‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های مختلف؛ و نامه سرگشاده دکتر سروش به هاشمی رفسنجانی در محکوم کردن اقدامات گروه‌های فشار، خود نیز طی «پاسخ ویژه به یک پیام تلفنی» چنین نوشت: «... ما نه تنها با رفتار خارج از چارچوب قانونی گروهی موسوم به انصار حزب‌الله مخالفیم، بلکه هیچ مقامی شرعاً و عرفاً حق ندارد... خارج از چارچوب قانون با شهروندان رفتار کند و برابری و یکسانی تمام افراد جامعه در برابر قانون موضوعی است که قانون اساسی به آن تصریح کرده است... [آنها] هرکس را که بخواهند و هرکس را که همراه و همسو با خود ببینند با حماق لیبرالیسم می‌کوبند... هیچ فرد یا

به مناسبت سالگرد شهادت رفیق پرویز حکمت جو

حماسه جاوید



رفیق حکمت جو در لباس خلبانی و در لباس کارگری

حربه ارتجاع و امیرالیسم در مقابله با نیروهای آزادیخواه و مترقی در سراسر جهان است، اعتراف کنند. ولی رفقا علی رغم فشارهای طاقت فرسا و شکنجه های مداوم و حیوانی جواب دندان شکنی به این اتهامات واهی و «سیا» ساخته دادند. از جمله رفیق پرویز حکمت جو، گفت: «تا چند باید این غل و زنجیر اتهامات در دست و پای دوستان خلق باشد و دشمنان قسم خورده ترقی و تعالی میهن و بدخواهان سعادت این مرز و بوم برگور آزادگان پایکوبی کنند، بنده و امثال بنده نه جاسوس هستیم و نه خائن، جواسیس و خائنین کسانی هستند که هزار جا زرد بند دارند و دشمن این آب و خاک و تکیه گاه غارتگران خارجی می باشند و زهد آنها ریایی، احساساتشان دروغین، میهن پرستی آنها کاذب و تنها امر مقدس در نزد آنها منافع غارتی و استثمار وحشیانه ایست که سال ها و از راهها و طرق مختلف بدان پرداخته اند».

رفیق پرویز در دوران اسارت خود که همراه با شکنجه و تبعید بود با روحیه شکست ناپذیر خود، به یکی از اسطوره های مقاومت خلق بدل شد. و بسیاری از جوانان و مبارزین از او الهام می گرفتند. رژیم سر سپرده شاه که به دلیل اعتراضات گسترده جهانی موفق به اعدام رفقا نشده بود، دوباره رفیق را به زیر شکنجه کشید و بعد از ۹ سال آزمون سخت با سرفراشته در

حساب خویش نکردی به کارزار بزرگ تمام عمر جو سرباز جان به کف رفتی ولی تو در صف یاران خلق جاویدی اگر چه با تن رنجور خود زصف رفتی

احسان طبری

۲۴ خرداد ۲۲-مین سالگرد شهادت رفیق پرویز حکمت جو، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و یکی از قهرمانان به نام حزب توده ایران است. رفیق پرویز حکمت جو در سال ۱۳۰۶ چشم به زندگی گشود و در جستجوی حق و حقیقت در سال ۱۳۳۱ با عنوان افسر خلبان به سازمان افسری حزب توده ایران پیوست. او زندگی کوتاه و پربارش را وقف مبارزه با دشمنان خلق کرد و در هیچ شرایطی از آرمان های والای خود دست نشست و عاقبت در راهش جان باخت. یکی از ویژگی های رفیق تسلیم نشدن در شرایط سخت و جستن راهی مناسب با شرایط خاص بود. او یک انقلابی حرفه ای بود و با تغییر شرایط سریع به جای خود را باختن شرایط مناسبی را جستجو می کرد تا بتواند مناسب وضعیت جدید به مبارزه اش ادامه دهد چرا که او پیوندی ناگسستنی میان زندگی و مبارزه می دید و آنها را جدا از یکدیگر نمی دانست. او بعد از کودتای ۲۸ مرداد و یورش ددمنشان رژیم شاه با همکاری اربابان آمریکایی اش به حزب توده ایران و سازمان نظامی آن، بلافاصله در کوره پزخانه های تهران مخفی شد و با شکل و شمایل کارگری در میان کارگران به فعالیت پرداخت (نکته قابل توجه اینکه نخستین اعتصاب کارگری ایران پس از ۲۸ مرداد در کوره پزخانه های تهران رخ داد که نزدیک ۳۰ هزار نفر در آن شرکت داشتند و رژیم با سرکوب خونین و اجرای توطئه سکوت در مورد کشتار کارگران از درز خبیر آن به سراسر ایران و جهان جلوگیری کرد و تاکنون نیز بررسی دقیقی پیرامون اعتصاب و کشتار صورت نگرفته است).

رفیق حکمت جو چندی پس از زندگی مخفی در میان کارگران مجبور به مهاجرت شد و این بار فعالیتش را در خارج از ایران شروع کرد. اما شور، ایمان، عشق به توده ها و آرزوی رهایی زحمتکشان لحظه ای او را آرام نمی گذاشت و بالاخره در سال ۱۳۴۳ همراه رفیق و هم رزم خود، رفیق خاوری، داوطلبانه برای احیای سازمان های حزبی و تشدید فعالیت حزب به میهن بازگشتند و از اولین قربانیان توطئه عباسعلی شهرباری ساواک شاه شدند. آنها بلافاصله بعد از دستگیری زیر شکنجه های وحشیانه ساواک قرار گرفتند تا به اتهام واهی «جاسوسی» که

برابر انتخاب مرگ شرافتمند و تسلیم ناپذیر و زندگی و آزادی پیشنهادی در قبال خیانت به آرمان های والایش، مرگ پرافتخار خود را برگزید و جاودانه شد. یادش گرامی باد.

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

ادامه - «مرگ علم و تولد بربریت»

حقوقشان و آمالشان چنین آسان و ارزان، لگدمال و ستم کوب می شود... پیروزی سیاه کاران، عین شکست فرهنگ ما و زوال امید ما و افول اندیشه ماست. این عزیز نگین را به دست اهرمنان مسپارید. خاموش نشستن روا نیست. مگذارید آنان بیروز شوند...»

و سپس سید علی خامنه ای «ولی فقیه» در پاسخ به اوج گیری جو مخالفت و مبارزه در دانشگاه های کشور در دیدار با وزیر و مسوولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی دستور داد: «دانشگاه امروز اسلامی نیست. یک تحول بنیادین اجتناب ناپذیر است... اهانت برخی از اساتید و یا دانشجویان بی اعتقاد و لابلایی به دانشجویان بسیجی و تلاشگر دوران دفاع مقدس کار مذموم و ناپسند است... اکنون زمان عمل است... کسانی که در سمت استاد دانشگاه با مقدسات اسلام مبارزه می کنند، کنار بگذارید...»

و مهدوی کنی رئیس فکری گروه چماقداران و حجتیه و «رسالت» در گردهمایی روسای دانشگاه های کشور اعلام کرد: «به نظر من با وضعی که دانشگاه ها درست شده است به جایی نخواهیم رسید... برای اسلامی شدن دانشگاه ها باید برای اساتید و دانشجویان برنامه ریزی و فعالیت صورت بگیرد...»

از اخبار بالا و مجموعه رویدادهای دیگر کشور در هفته های اخیر روشن می شود که شرایط حاد و بحرانی به شدت به سمت قطبی تر شدن جامعه و صف آراییی طرفداران استبداد و ارتجاع و تاریک اندیشی از یک سو و کسانی که خواهان پایان دادن به وضعیت فعلی هستند از سوی دیگر حرکت می کند. حاکمیت ضد مردمی و عمیقاً استبدادی «ولایت فقیه» به این نتیجه روشن رسیده است که تنها راه ادامه حیات و باقی ماندن در حکومت تشدید فشار و جو سرکوب و خفقان است و تنها پشتوانه ای که در مقابل انبوه عظیم توده های محروم، آزرده و عصبانی دارد، گروه های چاقو کش و نیروهای امنیتی است که در هفته های اخیر دستشان را برای هرکاری بازگذاشته اند.

چاقو کشی، سرکوب شکنجه و کشتار مخالفان مسأله ای تازه نیست، این اعمال با ماهیت و کردار مجموعه رژیم «ولایت فقیه» ارتباطی تنگاتنگ دارد و در واقع بخش جدانشدنی از آن است. در دستگاه فکری رژیم «ولایت فقیه» مقولاتی چون انسانیت، مدنیت، و ارزش های فرهنگی و اخلاقی نه تنها جایی ندارد که نابودی همین ارزش ها به نام حفظ «موقعیت روحانیت» حاکم مهمترین وظیفه و برنامه ای است که دنبال می شود.

پدیده ای که در این میان توجه به آن اهمیت دارد، رویگردانی کسانی از حاکمیت است که خود زمانی از نظریه پردازان و طرفداران این مجموعه بودند و امروز به این نتیجه رسیده اند که این «نظام مرگ علم و تولد بربریت» است. ما این پدیده را از مدت ها قبل دیده و ارزیابی کردیم و در مورد آن نوشتیم: «واقعیت این است که، نیروهای اسلامی که در انقلاب بهمین ۵۷ نقش مهمی ایفاء کردند و توانستند رهبری خود را به تمامی جنبش تحمیل کنند، امروز به دسته ها و گروه های گوناگون تقسیم شده اند. آرزوی وحدت کلمه این نیروها دیری نپایید... بخش دیگری از متحدان رژیم، خصوصاً برخی نیروهای مذهبی، در سال های اخیر مواضع خود را تغییر داده اند و به مواضع

نیروهای مخالف رژیم نزدیک شده اند. این نیروها دیگر معتقد به ادامه رژیم «ولایت فقیه» در چارچوب فعلی نیستند، و ادامه وضع فعلی را فاجعه ای برای «دین» و «اسلام» ارزیابی می کنند... علی رغم تفاوت های نظری میان نیروهای مترقی و آزادی خواه، این طیف از نیروهای مذهبی... می توانند در صورت اتخاذ مواضع رادیکال و مبارزه جوانانه در کنار سایر نیروهای آزادی خواه کشور، برای دموکراسی، آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی مبارزه کنند...» (اسناد پنجمین پلنوم کمیته مرکزی - «نامه مردم» ۲۶ دی ماه ۱۳۷۴).

ما با آقای دکتر سروش موافقیم که خاموش نشستن روا نیست و می بایست با این مجموعه ضد مردمی مقابله کرد، ولی ما این مجموعه را نه تنها در گروه های فشار انصار حزب الله بلکه در مجموعه رژیم «ولایت فقیه» می بینیم. حزب الله، انصار حزب الله، وزارت اطلاعات، سپاه پاسداران، بسیج، کمیته ها و... تنها تبلوری از این مجموعه و سیمای بیرونی آن هستند.

نکته دیگر اینکه ما معتقدیم آگاهی به واقعیت تنها گام نخست در حرکتی است که هر انسان متعهد و معتقد برای تغییر در جامعه برای تحقق خواست های انسانی و آرمانی بر می دارد ولی صرف آگاهی یافتن نمی تواند به خودی خود حلال مشکلات عظیم کشور باشد و سدی را که در مقابل حرکت جامعه به سمت جلو، به سمت آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی وجود دارد از سر راه بردارد. برای این کار راهی جز تشدید مبارزه، و ایستادگی وجود ندارد.

ما بارها گفته ایم و باز تکرار می کنیم هیچ نیرویی، چه مذهبی و چه غیر مذهبی به تنهایی توان مقابله با استبداد حاکم را ندارد و تنها با حرکت آگاهانه و سازمان یافته مشترک همه نیروهای ملی و آزادی خواه کشور است که می توان یک جنبش عظیم توده ای را برای تحول ایجاد کرد.

برای این کار نخستین گام باید کنار گذاشتن خود محور بینی ها، پیشداوری ها و آن مجموعه نظری باشد که تا به امروز راه هرگونه ائتلاف و اتحاد بزرگی را سد کرده است. منظور ما طرز تفکری است که منافع گروهی را بر منافع جامعه ارجح می شمرد و برنامه و حرکت خود را بر آن اساس تنظیم می کند.

ما ضمن محکوم کردن یورش وحشیانه چاقو کشان رژیم به دانشگاه های کشور و تشدید جو ارباب و خشونت، ضمن حمایت قاطع از انواع اعتراضات کارگری، دانشجویی و دانشگاهی و ضمن ابراز همبستگی جدی با مطبوعات معترض به وضعیت اختناق و عدم آزادی، همه نیروهای ملی، مترقی و آزادی خواه کشور را برادریک به مبارزه مشترک، همدلی و همبستگی فرا می خوانیم. دفاع مشترک ما از حقوق انسانی شهروندان کشور که اکنون مدتها است پایمال مثنی جنایتکار گردیده است، نه تنها وظیفه ای انسانی و ملی است، که بخشی مهم و جدا ناپذیر از مبارزه ای است که به گمان ما می تواند در انتها به پایان رژیم «ولایت فقیه» و گشوده شدن راه به سوی تحقق آزادی منجر شود. ما تکرار می کنیم جبهه واحد ضد دیکتاتوری تنها پاسخ پایسته ای است که به جبهه واحد استبداد و ارتجاع می توان داد و تأخیر در ایجاد چنین جبهه ای تنها به طولانی تر شدن استبداد و ترور حاکم بر کشور ما کمک می کند و بس!

مجلس چهارم در آخرین روزها

مجلس چهارم در آخرین روزهای کار رسمی خود به صحنه برخوردهای شدید میان جناح های مختلف بدل شد که در عین حال افشاگر و جالب است. از همین تریبون حتی نمایندگان مخالف اعلام کردند انتخابات پنجمین دوره فرمایشی بود و امروز در ایران حکومت شعبان بی مخ ها بیداد می کند. ما در اینجا بخش هایی از این سخنان افشاگرانه را برای توجه خوانندگان درج می کنیم.

• نماینده چناران و طرقبه - احمد مرادی

«... می رفت که شاهد برگزاری انتخاباتی شکوهمند و تاریخی و واقعی باشیم. متأسفانه برخی مسوولین بی مسوولیت.. وجود دارند که صحنه انتخابات را به میدان جنگ تبدیل نموده، رقابت های انتخاباتی را به انحصار و انتخابات تاریخی و سرنوشت ساز را به یک انتخابات فرمایشی و صوری بدل نموده... و این حوزه انتخابیه را به مدفن همه ارزش های دینی اعتقادی، اجتماعی و اخلاقی تبدیل نمود... تزویر و زور میدان دار معرکه گردید و با اعلام بیش از ۸۰۰۰ رای به عنوان رای غیر مآخوذه که چنین امکانی در کل انتخابات کشور نیز وجود ندارد، علامت سؤال بزرگی... در اذهان مردم بیدار به وجود آوردند...»

• نماینده اردبیل - علی محمد غریبانی

«... حاکمیت کشور در گروی وزارت کشور است، این تفکر انحصارگرانه حجتیه از بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بود... یادمان نمی رود همین انحصار طلبان بودند که وقتی از اطاعت پذیری آقای می حسین موسوی نسبت به خودشان مأیوس شدند نقشه سقوط دولت موسوی را طراحی کردند و به ایادی خود دستور دادند پول های خود را از بانک خارج کنند... و وقتی امام از موسوی و دولت موسوی حمایت فرمودند یکی از آقایان وابسته به آن جریان فریاد زد پس امام ۲۷۰ پوزه بند به مجلس بفرستند... متأسفانه جندی است که پدیده ای ظهور نموده و افراد معدودی به خیابان ها به ایجاد رعب و وحشت پرداخته و... مردم را مورد ایذاء و شکنجه قرار می دهند که در یک مورد نیز متأسفانه به سقط جنین خانمی منجر شده است... و انسان را به یاد شعبان بی مخ ها می اندازد...»

• ماجرای استیضاح وزرا

در آخرین روزهای مجلس طرفین درگیر تهدید کردند که وزرای گوناگونی را که وابستگی جناحی دارند استیضاح کنند. طرفداران رفسنجانی خواهان استیضاح وزیر کشور بودند و طرفداران رسالت تهدید کرده بودند وزیر جهاد سازندگی را استیضاح خواهند کرد. ناطق نوری رئیس مجلس در عکس العمل به این حرکت گفت: «با استیضاح وزراء در ایام پایانی مجلس چهارم مخالفم... قصد دارم با امضا کنندگان مذاکره کنم تا از کارشان منصرف شوند... حکمی پور نماینده زنجان در اعتراض به برخورد ناطق نوری و هیأت رئیسه مجلس از جمله گفت: عدم اعلام وصول استیضاح وزیر کشور توسط هیأت رئیسه مجلس خلاف قانون است. و مقنن نماینده بیجار در پاسخ به ناطق نوری گفت: ما استیضاح کنندگان هیچ وقت حاضر به توافق و یا بازپس گیری امضاهایمان نیستیم.

در هفته های آینده با شروع کار مجلس پنجم باید منتظر بود تا این برخوردها برای تعیین هیأت رئیسه جدید مجلس وارد مرحله نوین و حادتری بشود.

پرونده شهردار و شهرداری تهران برای «اقدامات» بعدی «تکمیل» شد

در پی فروپاشی ائتلاف گروه رفسنجانی - حجتیه (رسالت) و تشدید برخورد این دو گروه در جریان برگزاری پنجمین دوره «انتخابات» مجلس شورای اسلامی، در هفته های اخیر کار برخوردها میان دو جناح به تریبون مجلس چهارم کشیده است و هر روز ابعاد تازه ای به خود می گیرد. تلاش دو گروه برای استیضاح وزاری وابسته به جناح مقابل و یورش جناح رسالت برای پایین کشیدن کرباسچی داماد رفسنجانی از شهرداری تهران، از جمله نمونه های بارز این برخوردها در هفته های اخیر بوده اند.

بر اساس گزارش روزنامه «رسالت» (چهارشنبه ۲ خرداد ۱۳۷۵) گزارش تحقیق و تفحص شهرداری تهران روز سه شنبه اول خرداد ماه در مجلس قرائت شد. بر اساس این گزارش بیش از ۲۰ مورد خلاف کاری از شهرداری تهران، شامل «جعل سند»، «حیف و میل بیت المال»، سوءاستفاده از امکانات شهرداری برای منافع شخصی، از جمله «رهن آپارتمان برای سکونت معاونین، تجمل گرایی و اسراف» و فساد مالی گزارش شده است که در مجموع پرونده سنگینی برای شهردار تهران است.

موضوعی که در اینجا تأمل روی آن ضرور است، این است که چرا مجلس ناگهان به صرافت بررسی کار شهرداری تهران افتاده است و سر و صدای جناح اکثریت مجلس به چه منظوری بلند شده است. پاسخ این سؤال را نخست در امکانات عظیم شهرداری تهران، که گویا در جریان «انتخابات» مجلس به نفع گروه «کارگزاران» از آن استفاده شده است و سپس در هدف بعدی خود شهردار تهران که می تواند یکی از کاندیداهای جناح رفسنجانی برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری باشد، جستجو کرد.

در هر دو صورت روشن است که هدف جناح «رسالت» نه رسیدگی به شکایات مردم از شهرداری و نه تحقیق و تفحص واقعی این ارگان دولتی است، بلکه هدف تکمیل پرونده شهردار تهران و تبدیل او به یک مهره سوخته برای جناح رفسنجانی است.

در هفته های آینده باید انتظار داشت که فشار بر روی دولت برای برکناری شهردار تهران افزایش یابد و گام های جدی تر برای کنار زدن او از صحنه سیاسی برداشته شود. با پایان کار مجلس چهارم و آغاز کار مجلس پنجم، با توجه به ترکیب آن، همچنین می توان انتظار داشت که برخوردهای بسیارحاد تری به تریبون های مجلس پنجم کشیده شود و بحران سیاسی رژیم را بیش از پیش تشدید کند.



حربه ای برای زیر فشار قرار دادن مطبوعاتی که ساز رژیم را نمی زنند بدل شده است و بسیاری از روزنامه ها و خصوصاً مجلات کشور در شرایط فوق العاده دشوار کار خود را ادامه می دهند. در هفته های اخیر از جمله نخستین قربانیان این سیاست روزنامه اخبار بود که اعلام کرد از این پس تنها ۲ صفحه انتشار پیدا خواهد کرد. مدیر مسؤل این روزنامه اشعری دلیل این کار را عدم اختصاص کاغذ از سوی وزارت ارشاد اعلام کرد.

● فشاری که کمر استادان را خرد می کند

«... فشار کمر شکن اقتصادی بر روی قشر دانشگاهی کشور هر روز بیشتر از گذشته می شود. در حالی که سران رژیم در این روزها مداوم از پیشرفته های چشمگیر ایران سخن می گویند و هاشمی رفسنجانی در یکی از سخنرانی های اخیر خود ادعای مضحکی پیرامون فقر زدایی در ایران کرد، واقعیت سخت و دردناک زندگی در ایران فرسنگ ها با این ادعاهای عوام فریبانه فاصله دارد. قشر کارمندان دانشگاه ها، از جمله استادان، مربیان و ... که از مدارج بالای تحصیلی نیز برخوردارند همانند سایر کارمندان ادارات از وضع ناهنجاری برخوردار هستند.

با یک چرتکه اندازی ساده روشن می شود که با حقوق ۳۹۶۰۰ تومان در ماه برای چهل ساعت کار چگونه می توان در شرایط امروز ایران امرار معاش کرد. اجاره آپارتمان ماهیانه ۶۵۰۰۰ تومان است، هزینه ایاب و ذهاب ۸ الی ۱۰ هزار تومان، هزینه خورد و خوراک و معیشت خانواده ۳۰ الی ۵۰ هزار تومان و اگر هم کسی خدای نکرده بخواهد کار تحقیقاتی در دانشگاه بکند باید به این ارقام ۱۰ الی ۲۰ هزار تومان هزینه کتاب را نیز افزود....»

● صحبت توی صف های طولی

«... این روزها در صف های طولی نان، شیر، دارو، و ... از جمله گفته می شود که خرج انتخابات را گاو داری ها، نانواپی ها، شرکت گاز، تلفن و کارخانجات ذوب آهن و مواد شوینده و ... پرداختند، چون هنوز جوهر انگشت زدن به برهه اخذ رای خشک نشده که این سازمان ها ۲۰ درصد روی مواد غذایی و سایر کالاهای مایحتاج مردم کشیدند.

در همین روزها بالاخره پس از هفته ها انکار دولت اعلام کرد که قیمت ۲۰۰ نوع دارو به میزان ۵۰ درصد افزایش یافته است. و این در حالی است که همین الان هم برای پیدا کردن داروی مورد نیاز باید ساعت ها در خیابان های تهران از یک داروخانه به داروخانه دیگری رفت و التماس و درخواست کرد تا شاید بتوان داروی مورد نیاز را پیدا کرد. علاوه بر این بیمارستان ها دیگر از دادن دارو به بیماران خودداری می کنند و خانواده بیمار مسؤل تهیه داروی بیمار است و گاه حتی عمل جراحی بیماری که در شرایط خطرناک قرار دارد انجام نمی گیرد تا داروی مورد نیاز بیمار را خانواده اش به بیمارستان تحویل بدهند... تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!

● در پی دیدار برنارد پونز از ایران در اسفندماه اکبر ترکان قراردادی را با دولت فرانسه به امضا رساند که بر اساس آن دولت فرانسه به دولت ایران برای ایجاد مرکز سرویس و تعمیر در فرودگاه جدید تهران (که در حال ساخته شدن است) کمک خواهد کرد. در تهران گفته می شود که در دیدار رفسنجانی و پونز وزیر دولت فرانسه به ایران قول داد تا با گسترش حلقه تحریم اقتصادی آمریکا علیه جمهوری اسلامی، که قرار است به زودی در مجمع روسای ۱۲ کشور عضو اتحادیه اروپا مطرح شود، مخالفت کند.

● شرکت بزرگ ژاپنی «ج جی سی» توافق کرده است تا علی رغم فشارهای دولت آمریکا مبلغ ۳۸۰ میلیون دلار در پروژه گسترش حوزه های گازی ایران سرمایه گذاری کند.

● بر اساس گزارش های درونی بانک مرکزی، تعدادی از بانک های آلمانی و ۱۰ بانک ژاپنی و همچنین سایر کشورهای اروپایی مشغول مذاکره با مقامات بانک مرکزی برای تأمین مالی پروژه عظیم شرکت ایتالیایی «دانلی» برای ایجاد مجتمع فولاد سازی هستند. ارزش این قرار داد ۵۶۱ میلیون دلار برآورد شده است.

● اوضاع ناآرام در دانشگاه های کشور

با تشدید بحران اقتصادی - اجتماعی و اوج گیری نارضایتی های توده ای، دانشگاه ها بار دیگر به مرکز پر تحرکی بدل شده اند که نگرانی سران رژیم را برانگیخته است. نکته جالب این که سران رژیم ک دایما از سیاسی بودن «مکتب اسلام» سخن می گفتند، اکنون مدتی است دانشجویان را به پرهیز از شرکت در فعالیت های سیاسی نصیحت می کنند و از خطری که «توسط گروهکها» دانشگاه ها را تهدید می کند حرف می زنند. خامنه ای در صحبت های اخیر خود خیلی روشن گفت «دانشگاه ها امروز اسلامی نیستند و یک تحول بنیادین اجتناب ناپذیر است».

در هفته های اخیر در پی به راه افتادن گروه های چماق دار (انصار حزب الله) و خصوصاً برخوردهایی که در دانشگاه امیر کبیر رخ داد، نیروهای امنیتی حضور چشمگیری در این دانشگاه داشتند و در زد و خوردی که روز یکشنبه ۲۳ اردیبهشت بین دانشجویان و چماق داران در مقابل درب دانشگاه رخ داد گروهی مضروب و مجروح شدند. نیروهای امنیتی به جای دستگیری چماق داران تعدادی از دانشجویان را که در مقابل آنها مقاومت می کردند دستگیر کردند. در میان دستگیر شدگان اسامی چند نفر از دانشجویان انجمن اسلامی دانشگاه نیر به چشم می خورد.

● فقر، فشار اقتصادی و مبارزه سیاسی

فشار اقتصادی روی مردم آنچنان زیاد شده است که همگی انتظار یک انفجار بزرگ در جامعه را دارند. با گران شدن همه چیز در هفته های اخیر اوضاع نسبت به سابق دو چندان مشکل شده است. مردم خودشان نیز نمی دانند که چگونه امرار معاش می کنند، با دستمزد های روزی ۵۰۰ - ۱۰۰۰ تومان در حالی که پنیر به کیلویی ۱۰۰۰ تومان رسیده و اجاره خانه ها سر به جهنم می زند (از سی هزار تا ۶۰ هزار تومان) زنده ماندن هنر بزرگی است. اکثریت مردم با سه یا چهار شغل در عرض روز و یا رو آوردن به کارهای دیگر تلاش می کنند تا حداقلی را برای خود دست و پا کنند...

● نشریات مستقل در خطر بسته شدن

فشار بر نشریات مستقل از سوی وزارت ارشاد برای ادامه کارشان افزایش یافته است. افزون بر تهدیدهایی که هرچندگاه از سوی جاق کشان انصار حزب الله اعمال می شود در ماه های اخیر مسأله اختصاص کاغذ از سوی وزارت ارشاد نیز به حربه ای

ما در کجای جهان ...

یک زمینه می کنیم؛ کتب و نشریات. براساس آمار ارائه شده دولتی در سال ۷۲ هر ایرانی در سال فقط یک دقیقه مطالعه می کند. سال بعد، یعنی در سال ۷۳، این گزارش تصحیح می شود: هر ایرانی در سال ۲۰ ثانیه مطالعه می کند!

گاهی اوقات یک جمله و یک خبر، خود به تنهایی، یک تراژدی عظیم و یک فاجعه اسفبار است و این نگاه کافی است که شاعر بسراید: ... ثقل زمین کجاست؟ من در کجای جهان ایستاده ام؟ و باز هم آمار: در ایران «با ۶۵ میلیون نفر جمعیت» هر عنوان کتاب حداکثر در تیراژ ۳۰۰۰ جلد منتشر می شود. و در تاجیکستان با ۶ میلیون نفر جمعیت، هر عنوان کتاب حداقل در ۶۰۰۰ نسخه! و خیرهای دیگر: دانشجویان به مطالعه غیر درسی علاقه ندارند، کتاب ها در کتابخانه ها خاک می خورند، ۴۵ درصد از جمعیت کشور در روستاها زندگی می کنند... روستاها کتابخانه ندارند، ۵۰۰ نشریه امتیاز نشر گرفته اند اما ۲۷۰ روزنامه و مجله منتشر می شود... از این تعداد ۱۳۰ نشریه در آستانه ورشکستگی قرار دارند، در ایران تعداد نویسندگانی که از طریق قلم مخارج زندگیشان را تامین می کنند برابر با تعداد انگشتان یک دست نیست، هیچ مجله و نشریه مستقلی قادر به پرداخت حق التحریر به نویسندگان نیست، قیمت یک مجله برابر با مزد یک کارگر است، در ایران مردم روزنامه را برای پاک کردن شیشه می خرند، روزنامه همشهری با هزینه تمام شده هر نسخه ۶۵ تومان به ۱۰ تومان فروخته می شود... (لازم به ذکر است که قیمت های مطرح شده مربوط به آبان ۷۴ است). «همشهری» مبلغ آراء و نظام «ولایت فقیه» است، سردبیر ماهنامه گردون به دادگاه احضار می شود، کتابفروشی های مرغ آیین و عطار به آتش کشیده می شود، احمد میرعلایی «نویسنده و مترجم» در یک صبح سرد پاییزی با آمبول هوا به قتل رسیده و جسد او در کنار زاینده رود انداخته می شود... من در کجای جهان ایستاده ام؟

مردم ایران مطالعه نمی کنند به این دلیل ساده که انگیزه ای برای خواندن ندارند. آگاهی یافتن برای نفس دانستن نیست، بلکه برای بکار بستن است. برای مردمی که از همه حقوق اجتماعی و مدنی و انسانی محرومند، کدام انگیزه وجود دارد که دست به کتاب ببرند و روزنامه بخوانند.

وقتی از در و دیوار این سرزمین دروغ می بارد و مردم در هیچ زمینه ای از سیاست و اقتصاد گرفته... تا فرهنگ، حتی دخالت در سرنوشت خویش و اعمال اراده اجتماعی را ندارند، چرا باید بخوانند؟ نمی توان فراموش کرد که نزدیک به نیمی از جمعیت ۶۵ میلیونی ایران در بی سوادی مطلق به سر می برند... رژیم ضد بشری دیکتاتوری مطلق فقیه تمامی انگیزه های یک ملت را برای کسب آگاهی از ایشان گرفته است آن هم در آستانه قرن بیست و یکم و عصر ارتباطات وسیع جهانی.

یکبار دیگر از خویش بیرسید؛ چرا هر ایرانی در سال ۲۰ ثانیه کتاب می خواند؟

رژیم ولایت فقیه و درآمد ...

اقتصادی را به نادرستی به کار برده و تحریف کرده اند. برآورد اخیر بانک مرکزی رژیم نیز یک نمونه تازه از همین سیاست واژگون جلوه دادن حقایق است. به عنوان مثال، در برآورد اخیر بانک مرکزی، در مورد بخش خدمات چنین آمده است: «... ارزش افزوده بخش خدمات در سال ۱۳۷۳ با ۴/۱ درصد رشد، به ۵ هزار و ۹۸۰ میلیارد و ۵۰۰ میلیون رسید...». در این به اصطلاح برآورد مقدماتی، روشن نیست که منظور از «خدمات» چیست و آنها از کدام خدمات سخن می گویند؟ آیا منظور آنها از «خدمات»، آن بخش از بازرگانی، حمل و نقل و ارتباطات است که رشته های مولد اقتصاد را تشکیل می دهند، یا اینکه آنها هزینه هایی را که به حساب دولت اما به نفع سرمایه داران تجاری، وابستگان حکومتی، طبقات و لایه های انگلی، مأموران وزارت اطلاعات و امنیت انجام گرفته است نیز به حساب آورده اند؟

در این تردیدی نیست اقتصاد امروزی مین ما در چنگال سرمایه داران بزرگ تجاری و دلالان است و در نتیجه، بخش بزرگی از آنچه که تحت عنوان بخش «خدمات» در این برآوردها از آن یاد شده، سهم دلالی و سودهای کلان همین لایه های طفیلی جامعه است که از طریق احتکار و ایجاد گرانی مصنوعی، آخرین رمق اقتصادی توده های زحمتکش را می مکند و در چاه ویل نقدینگی سرسام آور خود می ریزند. در چنین حالتی، این به اصطلاح «۴/۱ درصد رشد ارزش افزوده» در بخش «خدمات»، به نحوی که این آقایان مد نظر دارند، نه به معنای رشد رشته های مولد در بخش خدمات، بلکه به معنای ورم کردن سهم دلالان و سرمایه داران بزرگ تجاری در اقتصاد است. و این، حتی اگر رقم مورد ادعای رژیم را بپذیریم، نه تنها نمی تواند مثبت ارزیابی شود بلکه به معنای سقوط هرچه بیشتر به ورطه انحطاط اقتصاد انگلی است. مشابه همین بازی ها با آمار و ارقام، در برآورد بخش های کشاورزی و مؤسسات مالی نیز دیده می شود.

ادامه رویدادهای جهان

۸ شهر آلمان قطارهای محلی، استخرهای شنا و سرویس جمع آوری زباله شدیداً مختل گردید. اتحادیه های کارگری که خواستار ۴/۵ درصد اضافه حقوق هستند، پیشنهاد دولت مبنی بر ۰/۵ درصد اضافه حقوق را «تحریر آمیز» خواندند. دولت صدر اعظم کهل مصمم است که به عنوان بخشی از سیاست کنترل کاهش بودجه خود جهت آماده شدن برای پیوستن به پول واحد اروپایی بودجه بخش عمومی و دولتی را شدیداً کاهش دهد.

عراق

دور جدید مذاکرات از سرگیری محدود صادرات نفت از عراق برای پرداخت غذا و داروی خریداری شده از سوی این کشور، با موفقیت به انجام رسید. عراق برای مدت های طولانی از قبول شرایط مطروحه از سوی سازمان ملل ظفره می رفت چرا که این شرایط در بر دارنده نظارت سختگیرانه سازمان ملل در مورد میزان فروش نفت و نیز توزیع موادی که خریداری می شود بود. عراق معتقد است که این شرایط ناقض حق حاکمیت این کشور است.

علاوه بر این، یکی از شگردهای شناخته شده رژیم های ضد مردمی در برآورد درآمد ملی، شیوه ای است که در علم اقتصاد به آن «محاسبه مضاعف» می گویند. در این شیوه کهنه و شناخته شده، که امروز مورد استفاده سران رژیم نیز هست، برخی ارقام را یک یا چند بار در محاسبات وارد می کنند. برآورد «مقدماتی» بانک مرکزی رژیم نمونه ای از به کارگیری چنین شیوه ای است. مثلاً رژیم و بانک مرکزی آن یک بار درآمد نفت را وارد درآمد ملی می کنند و یک بار دیگر هزینه هایی را که از همین درآمد نفت صرف خدمات، به ویژه خدمات خصوصی و دلالتی کرده اند، مجدداً به حساب «بخش خدمات» می گذارند و اعلام می کنند که بزرگترین رقم را خدمات دولتی، بازرگانی داخلی (بخوان دلالتی) و خدمات خصوصی تشکیل می دهند! این نوع ارقام، بدون تردید، نشانه آشکار محاسبه مضاعف اند.

این برآوردها و آمارهای دروغین و غلوآمیز، که به هیچ روی واقعی و منطبق بر حقایق آماری نیستند، در زمانی از سوی سران رژیم «ولایت فقیه» عنوان می گردند که جامعه ما به ویژه از لحاظ اقتصادی سیر رکود نگرانی آوری را طی می کند. تخریب زیربنای تولیدی، رشد نرخ تورم، سقوط ارزش پول ملی، افزایش ارتش میلیونی بیکاران، و بسیاری مشکلات دیگر، که نتیجه مستقیم سیاست تعدیل اقتصادی دیکته شده از سوی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی است، و مهم تر از همه، موج فزاینده اعتراضات توده ای که بر بستر سقوط دهشتناک سطح زندگی توده های وسیع مردم شکل گرفته است و هر دم شتاب بیشتری می گیرد، مسؤولان رژیم را واداشته است تا برای پوشاندن واقعیات از چشم مردم زحمتکش و تحت ستم، چنین آمار و ارقام غیر واقعی و فریبنده ای را منتشر کنند! علت واقعی انتشار این ارقام «درخشان» و «مثبت»، اما دروغین، را باید در وحشت سران رژیم از توده های مردم جان به لب رسیده جستجو کرد.

توافق کنونی به عراق اجازه می دهد که برای اولین بار پس از ۵ سال از تحریم اقتصادی بین المللی علیه این کشور که به دنبال اشغال ماجراجویانه کویت از سوی این کشور و جنگ ویرانگرانه کشورهای امپریالیستی و ارتجاعی اعمال شده بود، به صدور نفت اقدام کند. انتظار می رود که حصول این توافق به کاهش قیمت نفت در جهان منجر شود. توافق جدید به عراق اجازه می دهد که هر سه ماه یک میلیارد دلار نفت بفروشد و عواید آنرا به مصرف خرید غذا و دارو برساند و لذا اثرات انسانی تحریم اقتصادی را تخفیف دهد. بر اساس یک گزارش منتشر شده «سازمان مواد غذایی و کشاورزی FAO»، از زمان اعمال تحریم بیش از ۵۰۰/۰۰۰ کودک زیر ۵ سال مرده اند. بازدید کنندگان خارجی عراق که اخیراً طی سفری که از سوی مرکز آمریکایی حقوق اجتماعی و اقتصادی سازمان دهی شده بود گزارش از شرایط رقت بار در بیمارستان های عراق داده اند.



رویدادهای جهان



هندوستان

به دنبال شکست نیروهای ارتجاعی، شونیت هند به رهبری حزب BJP در تشکیل یک دولت اکثریت، رئیس جمهور هند در ۸ خرداد از رهبر ائتلاف ترقی خواهانه و چپ این کشور، دیوی گوادا، دعوت کرد که در صورت کسب اکثریت، پست نخست وزیری کشور را قبول کند. گوادا تا ۲۳ خرداد ماه فرصت دارد که اکثریت لازم برای گرفتن رای اعتماد از مجلس را به دست آورد. ائتلاف ترقی خواهانه که متشکل از کمونیست ها، سوسیالیست ها، هندوهای متعلق به کاست های مرتبه پایین و احزاب منطقه ای در انتخابات هند در ماه اردیبهشت ۱۷۷ کرسی از ۵۴۵ کرسی پارلمانی را به دست آورد. حزب کنگره که در انتخابات شکست خورد و دارای ۱۳۶ کرسی می باشد قول داده است که از دولت گوادا حمایت خواهد کرد. دو هفته پیش رئیس جمهور هند از آنال بهاری واجپایی، رهبر دست راستی و هندوی افراطی دعوت کرده بود که به عنوان نیروی که بیشترین کرسی ها را در پارلمان دارد، ۱۹۵ کرسی، پست نخست وزیری را قبول کند و در جهت کسب رای اعتماد از

پارلمان کوشش کند. امید واجپایی این بود که بتواند حمایت احزاب منطقه ای را به خود جلب کند ولیکن این احزاب از همان مرحله اول انتخابات اعلام کرده بودند که از دولت هندویان افراطی حمایت نخواهند کرد. سیاست ها و مواضع شدید ضد مسلمانان BJP اکثر احزاب منطقه ای و ملی را به ضدیت با این حزب کشاند. ۱۱۰ میلیون نفر از جمعیت هند مسلمان می باشند و در سال های اخیر سیاست های BJP در مناطقی که این حزب کنترل را بدست دارد باعث برخوردهای خشن آیز بین مسلمانان و هندوها شده است که به قیمت جان هزاران تن بیگناه تمام شده است. در ۸ خرداد ماه با مشخص شدن اینکه واجپایی قادر به کسب رای اعتماد نخواهد بود، سخنگوی پارلمان اعلام کرد که رای اعتماد ضروری نخواهد بود چرا که واجپایی استعفا کرده است. رهبر افراطیون هندو اعلام کرد: «ما در مقابل قدرت اعداد سر فرود می آوریم. من دارم می روم حضور رییس جمهور که استعفا خود را تقدیم کنم. ما حاضریم که در اپوزیسیون قرار بگیریم.» با یادآوری اینکه چگونه افراطیون هندو مسجد باستانی بابری مسجد را در سال ۱۹۹۲ در آیدوها نابود کردند و به موج خشن های میان مردم مسلمان و هندو دامن زدند، رهبر حزب کمونیست هند ایندراجیت گوتیا گفت که اعضای BJP «از این عمل خود بسیار خوشنود و مفتخر بودند» بودند.

اسرائیل

اسرائیل از اسفند ماه به دنبال انفجار چند بمب که به کشته شدن ۵۹ نفر منجر شد، سیاست محبوس کردن مردم مناطق فلسطینی نشین نوار غزه و کرانه غربی را تشدید کرده است. سخنگوی دولت اسرائیل شلومو درور گفت دولت اقدامات جدیدی را اتخاذ کرده است که محدودیت تردد برای ۷۰۰۰ تن فلسطینی که می توانستند در اسرائیل کار کنند و نیز قطع تمامی داد و ستد میان اسرائیل و مناطق خودمختار را به دنبال

خواهد داشت. او گفت «هیچکدام از فلسطینی ها به غیر از مقامات رسمی فلسطینی و نیز بیماران قادر نخواهند بود که به اسرائیل مسافرت کنند. از امشب همچنین فقط اشخاص (نه هیچ گونه کلابی) حق عبور از طریق ایستگاه های مرزی بین مناطق فلسطینی و اردن و مصر خواهند داشت». وزیر دولت اقدامات سرکوبگرانه خود را به دلیل حملات انتحاری جدید توجیه کرد و گفت: «ارتش اطلاعاتی را در مورد امکان حملات تروریستی در تقارن با روز انتخابات دارد و لذا این سیاست بسته شدن مرزها اعمال شد که از چنین حملاتی جلوگیری بشود».

حتی قبل از این بسته شدن های طولانی مرزها، باعث خسارات فراوان اقتصادی به اقتصاد نوپای فلسطین شده بود. بیکاری را شدیداً بالا برده و دهها هزار کارگر فلسطینی را خانه نشین کرده بود. تخمین زده می شود که هر روزه ۴ میلیون لیتر استرلینگ میزان خسارت مالی سیاست اسرائیل باشد.

آلمان

دوم خرداد ماه اتحادیه OTV که از بزرگ ترین اتحادیه های کارگری کشور است و کارگران بخش دولتی و عمومی را متشکل می کند مذاکرات خود را بر سر میزان اضافه دستمزد با دولت قطع کرد. منابع اتحادیه ای اعلام داشتند که نیم درصد اضافه حقوق پیشنهادی دولت کافی و قابل قبول نیست. کارگران بخش عمومی در نیمه دوم اردیبهشت برای وادار ساختن دولت به انعقاد یک قرارداد جدید با ۳/۲ میلیون کارگر این بخش، اعتصاب های اخطاری را سازمان دادند. در ۲ خرداد ماه هزاران کارگر دست از کار کشیدند. در کلن بیش از ۱۰۰۰ کارگر حمل و نقل کارهای خود را رها کرده و به یک تظاهرات کارگری پیوستند. در

ادامه در ص ۶

یلتسین در تلاش برای پیروزی بهر قیمت

نفر و نحوه اداره تمامی ماجرا، همگی نشانه های آشکار تلاش یلتسین به استفاده تبلیغاتی از جریان بود. در ۱۹ اردیبهشت یلتسین در مراسم ۵۱-مین سالگرد پیروزی ارتش سرخ بر دشمن نازی شرکت کرد. او به پرچم سرخ دوران حاکمیت شوراهای که در کنار پرچم سه رنگ روسیه در اهتزاز بود احترام گذاشت. در ۲۵ فروردین یلتسین فرمانی صادر کرد که به موجب آن در تمامی مراسم بزرگداشت پیروزی علیه آلمان نازی، پرچم سرخ یک نشانه و سمبل رسمی قلمداد شود.

× در ۲۳ اردیبهشت بوریس یلتسین به مخبران های تلویزیون گفت که با از او حمایت کنند و یا ریسک روی کار آمدن کمونیست ها را قبول کنند. کارزار انتخاباتی رسمی از روز ۲۴ اردیبهشت شروع شده است. اطرافیان یلتسین مدعی اند که نظر خواهی های عمومی اکنون نشان می دهند که یلتسین از رقیب کمونیست خود جلو افتاده است. ولی آکادمیسین های چپ و ترقی خواه در مورد اعتبار این نظر خواهی ها که بطور غیر منتظره و خلاف روند عمومی نظرات مردم بالا بودن حمایت مردم از یلتسین را نشان می دهند، اظهار شک و تردید کرده اند. یلتسین به گویندگان تلویزیون دولتی روسیه مدال داد و به آنها گفت: «آیا من باید به شما بگویم که یک خطر بازگشت به عقب وجود دارد، یک خطر انتقام. من خیلی روی شما حساب می کنم، روی حرفه ای بودن شما، عینی بودن شما، احساسات شما... ما نباید به گذشته بازگردیم... ما باید با هم باشیم، همدیگر را بفهمیم».

دوم که قرار است روز ۱۷ تیرماه انجام شود چنین دولتی تشکیل شود. او گفت که نقش نخست وزیری را در صورتی که چنین دولتی تشکیل بشود، قبول خواهد کرد.

× بانک جهانی در ۱۸ اردیبهشت اعلام کرد که در مورد دادن ۳۰۰ میلیون دلار وام فوری جهت تسریع و تشویق خصوصی سازی بخش مسکن در روسیه توافق کرده است. مطمئناً اعلام چنین وامی در شرایط کنونی فقط نقش تبلیغاتی برای یلتسین دارد که می تواند مدعی باشد تنها کاندید مطرح در انتخابات است که مورد حمایت بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و تمامی ارگان های امپریالیستی است.

× مطبوعات و رسانه های دولتی عملاً به نفع یلتسین فعالیت تبلیغاتی می کنند. در ۲۱ اردیبهشت ماه برنامه تلویزیونی کانال ۱ تلویزیون روسیه پس از یک برنامه در مورد نقاظ ضعف و قدرت یکی از کاندیداها به نام الکساندر لید، این نظر مطرح کرد که بهترین استراتژی برای لید و دیگر کاندیداها نیروی سوم این خواهد بود که با پرزیدنت یلتسین رقابت نکنند و به عوض از هواداران خود بخواهند که از او حمایت کنند.

● با نزدیک تر شدن انتخابات یلتسین سعی دارد خود را به عنوان یک میهن دوست که به تاریخ روسیه و کشور شوراهای احترام می گذارد جلوه دهد. نمایش تبلیغاتی بر سر جاسوسان انگلیسی سفارت انگلیس و کش و قوس های آن در رابطه با اعلام ماجرا، تهدید به اخراج ۹ جاسوس و در انتها کاهش این تعداد به ۴

با نزدیک تر شدن موعد انتخابات ریاست جمهوری در ۲۷ خرداد ماه، مشاوران و همکاران یلتسین با استفاده از تمامی امکانات درصدد تقویت موضع او و پیروزی نهایی می باشند. اقدامات اخیر کمپ یلتسین به وضوح آشکار کرده است که آنها هیچ ابایی از سانسور مطبوعات، جو سازی علیه کاندیدای کمونیست، بذل و بخشش از کیسه مردم برای خریدن آراء، جلب حمایت امپریالیست ها و سعی در ایجاد یک ائتلاف نامقدس راست نخواهند داشت.

نشانه های قدرتمندی در دست است که علی رغم تکذیب های گریگوری یاولینسکی، لیدوف و فئودوروف مبنی بر توافق با یلتسین بر سر ایجاد نوعی ائتلاف ضد کمونیستی، برخی قرار و مدارها گذاشته شده است. به دنبال دیدار بین یلتسین و گریگوری یاولینسکی، رهبر یابلوکو در ۱۹ اردیبهشت، بی بی سی گزارش داد که یاولینسکی، اظهار داشته است «موضوعی که ما داریم بحث می کنیم در تاریخ روسیه برای اولین بار مطرح است: یک ائتلاف سیاسی بین دولت و اپوزیسیون دموکراتیک». یاولینسکی در رابطه با مذاکرات خود با یلتسین مطرح کرد که یلتسین احتمالاً او را به نخست وزیری انتخاب کند.

در همین رابطه در ۲۵ اردیبهشت گزارش شد که یلتسین و سواتوسلاو فئودوروف با هم ملاقات کرده و احتمال ایجاد یک دولت ائتلافی را مطرح کرده اند. فئودوروف گفته است که مساله تشکیل یک «دولت وحدت ملی» مطرح شده است و او به یلتسین پیشنهاد کرده است که در فاصله بین دور اول انتخابات و دور

اطلاعیه مطبوعاتی روابط عمومی کمیته مرکزی حزب توده ایران همبستگی پرشکوه احزاب کارگری و کمونیستی با مبارزه مردم ایران علیه رژیم دیکتاتوری

در خرداد ماه سال جاری نشست بزرگی از ده ها حزب کارگری و کمونیستی برای بررسی مسایل حاد و مبهم خاورمیانه و اتخاذ سیاست های مشترک در زمینه های گوناگون برگزار شد. در این نشست نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران، به عنوان یکی از سخنرانان اصلی مفصلاً پیرامون شرایط حاد منطقه و نقش و عملکرد جمهوری اسلامی سخن گفت و نمایندگان رهبری احزاب مختلف را در جریان شرایط حساس کشورمان قرار داد. احزاب شرکت کننده در این نشست اطلاعیه ای در همبستگی با مبارزات مردم ایران تهیه و منتشر کردند. متن این اطلاعیه پرشور همبستگی به شرح زیر است:

«ما احزاب کارگری، کمونیستی و سوسیالیستی نگرانی جدی خود را از ادامه سرکوب وحشیانه حقوق بشر در جمهوری اسلامی؛

سرکوب و غیر قانونی کردن هر گونه حق ایجاد تشکل های مستقل کارگری، حق اعتصاب برای کارگران، و برخورد های خشن و خونین با کارگران معترض؛

سرکوب و غیر قانونی کردن احزاب مترقی، سوسیالیستی و پیشرو، از جمله حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران؛

سرکوب وحشیانه حقوق زنان، و اقلیت های ملی و مذهبی، خصوصاً خلق کرد، اعلام می کنیم.

۱- ما خواهان قطع فوری دستگیری ها، شکنجه و اعدام دگرانديشان و تمام کسانی هستیم که علیه رژیم دیکتاتوری جمهوری اسلامی پیکار می کنند.

۲- ما خواهان آزادی بی قید و شرط و فوری کلیه زندانیان سیاسی ایران هستیم.

۳- ما خواهان رعایت منشورهای بین المللی حقوق بشر، از جمله پیرامون آزادی بیان، آزادی تشکل، حقوق برابر برای زنان و اقلیت های ملی و مذهبی هستیم.

۴- ما همبستگی رزمجویانه خود را با همه نیروهای مترقی ایران، خصوصاً حزب توده ایران که برای دموکراسی، حقوق بشر، استقلال و عدالت اجتماعی در ایران مبارزه می کنند، اعلام می داریم.

- (صدر حزب)
- حزب کارگران مجارستان
 - حزب کمونیست اسلواکی
 - حزب کمونیست چک و موراوی
 - حزب سوسیالیست بلغارستان
 - حزب کمونیست مولداوی
 - حزب کمونیست اوکراین
 - حزب کمونیست لتونی
 - حزب کمونیست فرانسه
 - حزب کمونیست رفاوندسیون - ایتالیا
 - حزب کمونیست پرتقال
 - حزب کمونیست یونان
 - حزب کمونیست آلمان
 - حزب زحمتکشان مترقی قبرس - آکل
 - حزب کمونیست برزیل
 - حزب کمونیست ژاپن
 - حزب کمونیست کلمبیا
 - حزب سوسیالیست استرالیا
 - حزب کمونیست اتریش
 - حزب کمونیست اسپانیا
 - حزب کمونیست کاتالونیا
 - حزب کمونیست سوئد
 - حزب کمونیست بلژیک
 - حزب کمونیست دانمارک
 - اتحاد سبز و سرخ - دانمارک
 - حزب کارگران ایرلند
 - حزب کمونیست بریتانیا
 - حزب کمونیست لوگزامبورگ
 - حزب کمونیست کانادا
 - حزب کمونیست نو یوگسلاوی
 - حزب کمونیست عراق
 - حزب کمونیست سوریه (CPS)
 - حزب کمونیست سوریه (SCP)
 - حزب مردم فلسطین
 - حزب کمونیست فلسطین
 - حزب کمونیست اردن
 - حزب دوستی و همبستگی ترکیه
 - حزب کمونیست سودان
 - جنبش رهایی بخش مردم بحرین

* * *

گزارش کامل این نشست در شماره آینده «نامه مردم» درج خواهد شد.

حزب کمونیست فدراتیو روسیه

حزب کمونیست کارگری روسیه

حزب کمونیست اتحاد شوروی (اولگ شنین -

نمایندگه کمیته مرکزی حزب توده ایران در

پانزدهمین کنگره حزب کمونیست یونان

پانزدهمین کنگره حزب کمونیست یونان با شرکت ۱۰۰۰ نماینده سازمان های حزبی و نمایندگان احزاب کارگری و کمونیستی از بیش از ۶۰ کشور جهان در تاریخ اول تا پنجم خرداد ماه در شهر آتن برگزار شد. نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران از جمله مهمانان خارجی بود که به گرمی مورد استقبال رهبری حزبی کمونیست یونان قرار گرفت. کنگره وظیفه مهم تصویب اساسنامه و برنامه جدید حزب و همچنین سندی پیرامون تحولات در کشورهای سوسیالیستی سابق را عهده دار بود و از این رو یکی از حساس ترین نشسته های حزب کمونیست یونان در سال های اخیر بود. کنگره با سخنرانی رفیق پاپاریتا، دبیر کل حزب کمونیست یونان کار خود را آغاز کرد و رفیق پاپاریتا اعلام کرد که حزب با موفقیت توانسته است پنج سال طوفانی را پشت سر بگذارد و با ارائه یک تحلیل واقع بینانه و پیگیر سیاسی صفوف خود را منسجم کند و بر حیات سیاسی کشور تأثیر مهمی بگذارد.

به دعوت رهبری حزب کمونیست یونان نماینده کمیته مرکزی حزب ما در یک جلسه عمومی بزرگ که توسط یکی از شعب حزب کمونیست در آتن و با حضور شهردار و مقامات محلی، سازمان دهی شده بود حضور یافت و پیام همبستگی کمیته مرکزی حزب توده ایران را به کمونیست های یونانی تقدیم کرد. این پیام با استقبال گرم حضار روبرو شد و از جمله پیام هایی بود که در روزنامه ارگان رسمی حزب کمونیست یونان به چاپ رسید.

در جریان کنگره نماینده کمیته مرکزی حزبمان با نمایندگان رهبری احزاب کارگری و کمونیستی از فرانسه، عراق، پرتقال، ایتالیا، اسپانیا، فلسطین، سوریه، دانمارک، اتریش، ترکیه و کردستان دیدار و گفتگو کرد. در جریان کنگره همچنین دیدار مفصلی با رفقای مسؤول هیأت سیاسی حزب کمونیست یونان برای گسترش هرچه بیشتر همکاری ها میان دو حزب و همچنین ایجاد هماهنگی بیشتر پیرامون مسایل حاد منطقه برگزار شد. کنگره با تصویب اسناد نامبرده و انتخاب کمیته مرکزی جدید کار خود را با موفقیت به پایان رساند.

کمک های مالی رسیده

- کاوه و کیا از ایران ۵۰ مارک
- بابک از هامبورگ ۵۰ مارک
- رفیق از هامبورگ ۱۰۰ مارک

آدرس: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:481
Central Organ of the Tudeh Party of Iran
<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

4 June 1996

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e. V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک